



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرأیا
علیها یصیرون

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

تکفیر چیست؟ تکفیری کیست؟

محمد باقر پورامینی



۱۰۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهنمای ۱۰۴ (تکفیر چیست و تکفیری کیست)

نویسنده:

محمد باقر پورامینی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	رهنمای ۱۰۴ (تکفیر چیست و تکفیری کیست)
۷	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۴	تکفیر چیست؟ تکفیری کیست؟
۱۴	دریچه
۱۶	درآمد
۱۸	فصل اول: معنای تکفیر
۱۸	اشاره
۲۰	۱. مفهوم تکفیر
۲۱	۲. پیشینه
۲۱	اشاره
۲۲	پنجره:
۲۳	خلاصه:
۲۴	فصل دوم: نفی تکفیر
۲۴	اشاره
۲۶	۱. تکفیر و فرهنگ قرآن
۳۱	۲. تکفیر و سنت پیامبر
۳۳	خلاصه:
۳۴	فصل سوم: ریشه های تکفیر
۳۴	اشاره
۳۶	۱. پی رنگ های فکری تکفیر
۳۷	۲. تکفیر در دوره معاصر
۴۱	۳. علل تکفیر

۴۱ اشاره

۴۴ پنجره:

۴۶ ۴. جنایات تکفیری ها

۴۶ اشاره

۴۹ خلاصه:

۵۰ فصل چهارم: نقد از درون

۵۰ اشاره

۵۳ پنجره:

۵۶ خلاصه:

۵۸ سخن آخر

۵۹ بیشتر بخوانیم

۶۰ درباره مرکز

رهنمای ۱۰۴ (تکفیر چیست و تکفیری کیست)

مشخصات کتاب

شابک : ۴۳۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۲۷۰۴-۶

شماره کتابشناسی ملی : ۴۷۲۳۵۷۱

عنوان و نام پدید آور : تکفیر چیست؟ تکفیری کیست؟ / محمدباقر پورامینی ؛ تهیه و تنظیم اداره پاسخ گویی به سوالات دینی آستان قدس رضوی ؛ ویراستار سیدحمید حیدری ثانی.

مشخصات نشر : مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۵۲ ص.: مصور (رنگی).؛ ۱۱×۱۷ اس م.

فروست : به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)؛ ۲۱۹۹. رهنما؛ ۱۰۴.

موضوع : تکفیر (فقه)

موضوع : (Excommunication Islamic law)

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۴

رده بندی کنگره : BP۲۲۵/۳ پ ۹ ت ۸ ۱۳۹۶

سرشناسه : پورامینی، محمدباقر، ۱۳۴۷ -

Pouramini, Mohammad Bagher

شناسه افزوده : شرکت به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

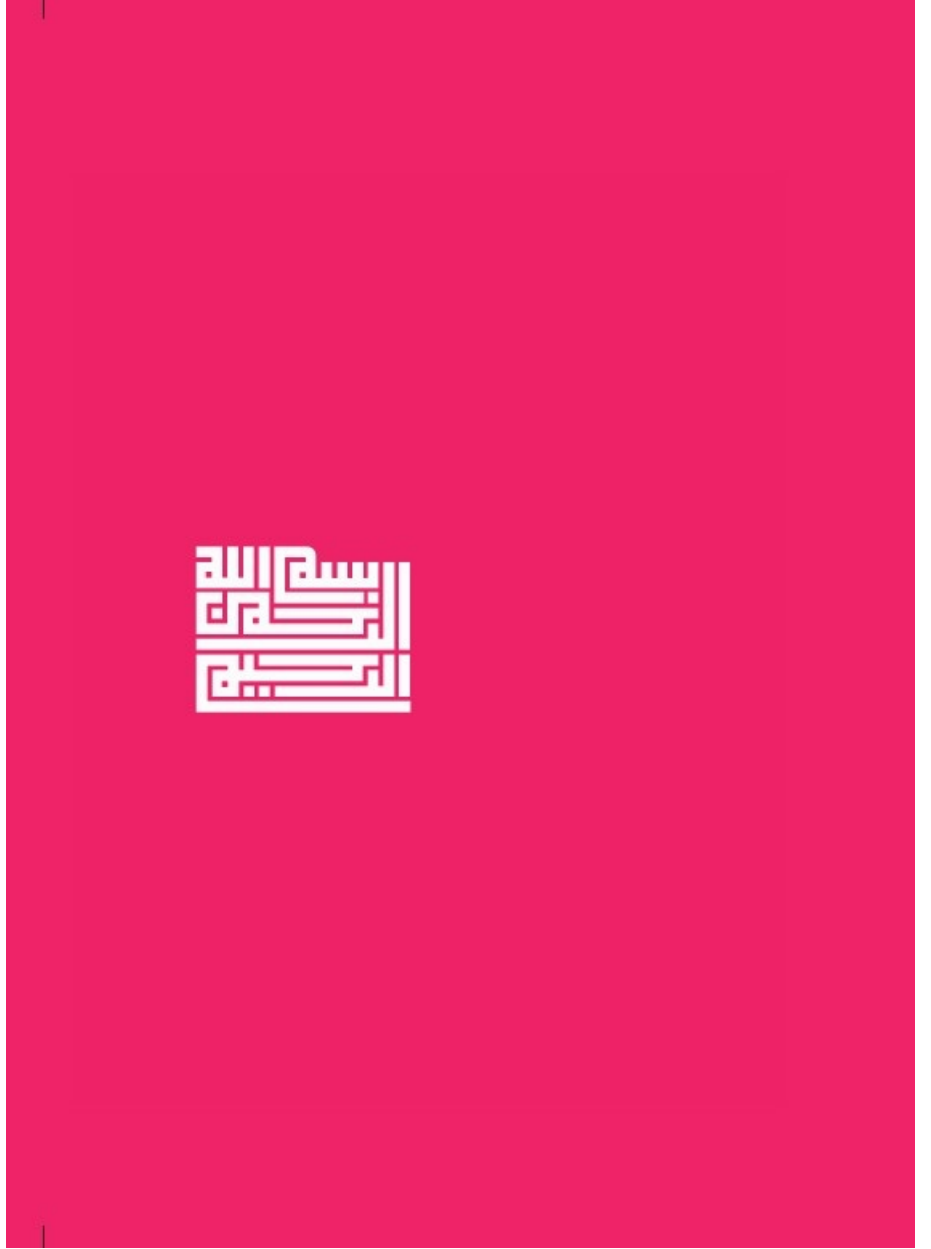
شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. اداره پاسخگویی به سوالات دینی و اطلاع رسانی

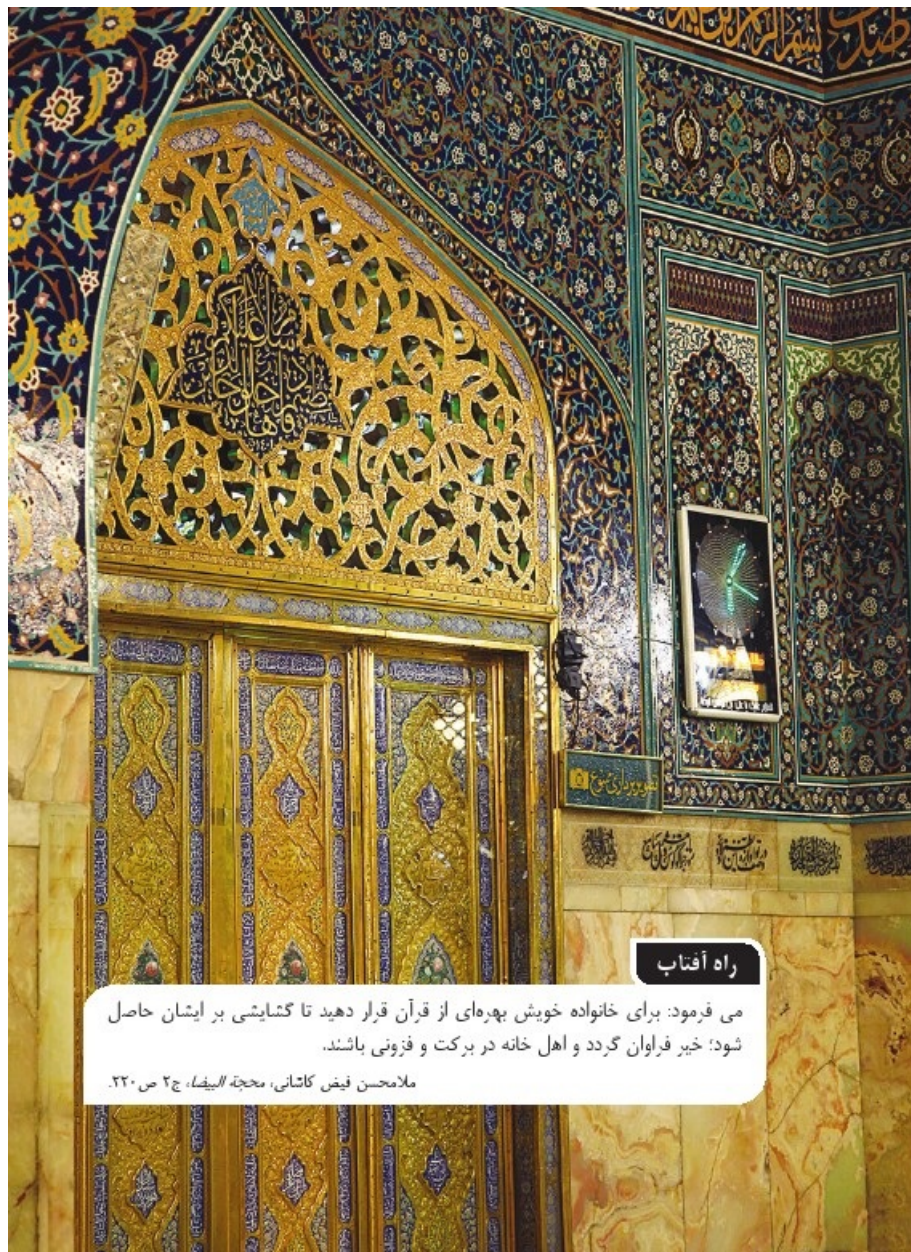
شناسه افزوده : Behnashr Company (Astan Quds Razavi Publications)

وضعیت فهرست نویسی : فیا

تکفیر چیست؟ تکفیری کیست؟

محمدباقر پورامینی





راه آفتاب

می فرمود: برای خانواده خویش بهره‌ای از قرآن قرار دهید تا گشایشی بر ایشان حاصل شود؛ خیر فراوان گردد و اهل خانه در برکت و فزونی باشند.

ملاحسن فیض کاشانی، محجة البیضا، ج ۲ ص ۲۲۰.

تکفیر چیست؟ تکفیری کیست؟

محمد باقر پورامینی

تکفیر چیست؟ تکفیری کیست؟

در بجه

در این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش هاییم:

۱. تکفیر و تکفیری به چه معناست؟
۲. آیا در نگاه قرآن و سنت، می توان مسلمان را تکفیر کرد؟
۳. تکفیری های امروز از کجا ریشه گرفته اند؟
۴. رابطه سلفی های وهابی و تکفیری ها چیست؟
۵. موضع دانشمندان اهل سنت در برابر مواضع و جنایت های تکفیری ها چیست؟

ص: ۷



امروزه «تکفیر» دستاویز سلفیان وهابی شده است. این گروه را تکفیری می گویند؛ چون کفر را به دیگر مسلمانان نسبت می دهند. بدیهی است شناخت این پدیده، نیازمند آشنایی با ریشه و تاریخچه و کاربرد تکفیر است. در این مختصر، می خواهیم ببینیم جریان سلفیگری چه میزان انحراف دارد و چه اندازه از مفاهیم و اصطلاحات، سوءاستفاده می کند





معنای تکفیر
« فصل اول



«کفر» به معنای پوشش و پوشاندن است. (۱) در اصطلاح جاری در کلام و فقه، انکار توحید و نبوت و ضروری دین را اگر به انکار رسالت بینجامد، کفر می نامند. (۲) تکفیر نیز در اصطلاح به معنای کافردانستن کسی یا نسبت دادن کفر است. (۳)

تکفیر به معنای نسبت دادن کفر به شخص یا گروهی، در قرآن کریم مصادیق پرشماری دارد؛ از جمله کسانی که حضرت مسیح را خدا پنداشتند (۴) و افرادی که به مردم جادوگری می آموختند. (۵) در احادیث نیز عواملی که ممکن است سبب تکفیر شود و نمونه های غیرمجاز و شروط آن، به تفصیل مطرح شده است. اما امروزه تکفیر، کاربرد ویژه ای پیدا کرده و به دور از مفهوم واقعی خود، فقط دست مایه سلب حیثیت و طرد و قتل

ص: ۱۳

۱- ۱. راغب، المفردات فی غریب القرآن، ص ۷۱۴.

۲- . یزدی، العروه الوثقی، کتاب الطهاره، مبحث النجاسات.

۳- . البته معانی دیگری نیز برای تکفیر بیان شده است؛ از جمله پاک کردن گناهان و ابطال عقاب، پرداختن کفاره سوگند (ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۴۸)، نهادن یک دست بر روی دست دیگر برای ادای احترام (طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۷۷) یا نهادن یک دست بر روی دست دیگر در نماز (شوکانی، نیل الأوطار، ج ۲، ص ۲۰۴؛ العینی، عمده القاری، ج ۵، ص ۲۷۹).

۴- . مائده، ۱۷ و ۷۲ و ۷۳.

۵- . بقره، ۱۰۲.

تکفیر در میان مسلمانان، به پس از رحلت رسول خدا باز می‌گردد. برخی از حوادث مهم تاریخی در دهه های آغازین اسلام، به سبب تکفیر روی داده است. از جمله رویدادهای مهم دوران پس از رحلت پیامبر اکرم، جنگ های «رَدّه» در زمان ابوبکر بود. در این جنگ ها، دستگاه خلافت، معارضان خود را به دلیل ندادن زکات و نپذیرفتن اصل خلافت، کافر و خارج از دین خواند. (۱) این حادثه، حتی در میان افراد نزدیک به خلیفه، تردیدهای بسیاری به وجود آورد.

شکل گیری گروه خوارج و حرکت های خشونت بار آنان نیز با تکفیر در ارتباط بود؛ به گونه ای که می توان خوارج را نخستین گروهی برشمرد که مسلمانان را تکفیر کردند. بسیاری از فرقه های خوارج نه تنها کسی را که مرتکب یکی از گناهان کبیره می شد، بلکه امت پیامبر را نیز تکفیر می کردند. (۲)

آنان حتی جایگاه امیر مؤمنان، علی را پاس نمی داشتند و ایشان را تکفیر می کردند. (۳)

نمونه ای از تکفیر نیز در میان بعضی از معتزله و اشاعره گزارش شده است: آنان مشبهه را تکفیر

ص: ۱۴

-
- ۱- . طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۲۵۰ تا ۲۵۲؛ ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۱، ص ۱۵ و ۱۶ و ۲۳.
 - ۲- . شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۲۲ و ۱۲۸ و ۱۳۵؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۱۳.
 - ۳- . مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۵.

پنجره:

هرچند نمونه های فردی و جمعی تکفیر در تاریخ اسلام گزارش شده و در برهه هایی از تاریخ، این جریان شایع بوده است، نمی توان تکفیر را در میان فرقه ها و نحله های گوناگون اسلامی چندان عمده و سرنوشت ساز دانست. حتی در نگاهی کلان، نمونه های افراط آمیز تکفیر، چه آنان که تکفیر کرده اند و چه آنان که تکفیر شده اند، اندک به نظر می رسند. امروزه شمار پیروان دیدگاه افراطی تکفیر، در مقایسه با کل جمعیت مسلمانان، چندان نیست؛ (۲) اما به سبب برخورداری از موقعیت های مالی و سیاسی، عملکرد ایشان بازتابی گسترده دارند.

جز درباره جریان وهابیت که مهم ترین فرقه مروج و مجری تکفیر است، ظاهراً نظر علما و فقهای مذاهب مهم اسلامی در کاهش ترویج تکفیر مؤثر بوده است؛ زیرا فقهای شیعه نسبت دادن بی دلیل کفر به مسلمان را مستوجب تعزیر دانسته اند. (۳) ازسویی، غزالی نیز ضمن توضیح معیار

ص: ۱۵

۱- ابن طاووس، الطرائف، ج ۲، ص ۳۵۵.

۲- دانشنامه جهان اسلام، ج ۸، ص ۳۷، سیف الله صرّامی، مدخل تکفیر.

۳- شهید ثانی، الروضه البهیة، ج ۹، ص ۱۷۵.

تکفیر، از طایفه ای از متکلمان که با تنگ نظری عده ای از مسلمانان را تکفیر کرده اند، انتقاد کرده و توصیه کرده است تا جایی که ممکن است، از تکفیر اهل قبله پرهیز شود.^(۱)

بنابراین، هر کس به شعایر اسلامی پایبند باشد و نشانه های دین الهی را بزرگ شمارد، مسلمان است و باید حرمت او را حفظ کرد. طبیعی است که آزار این چنین فردی حرام است و غیرمسلمان نامیدن او، نوعی آزار تلقی می شود.^(۲)

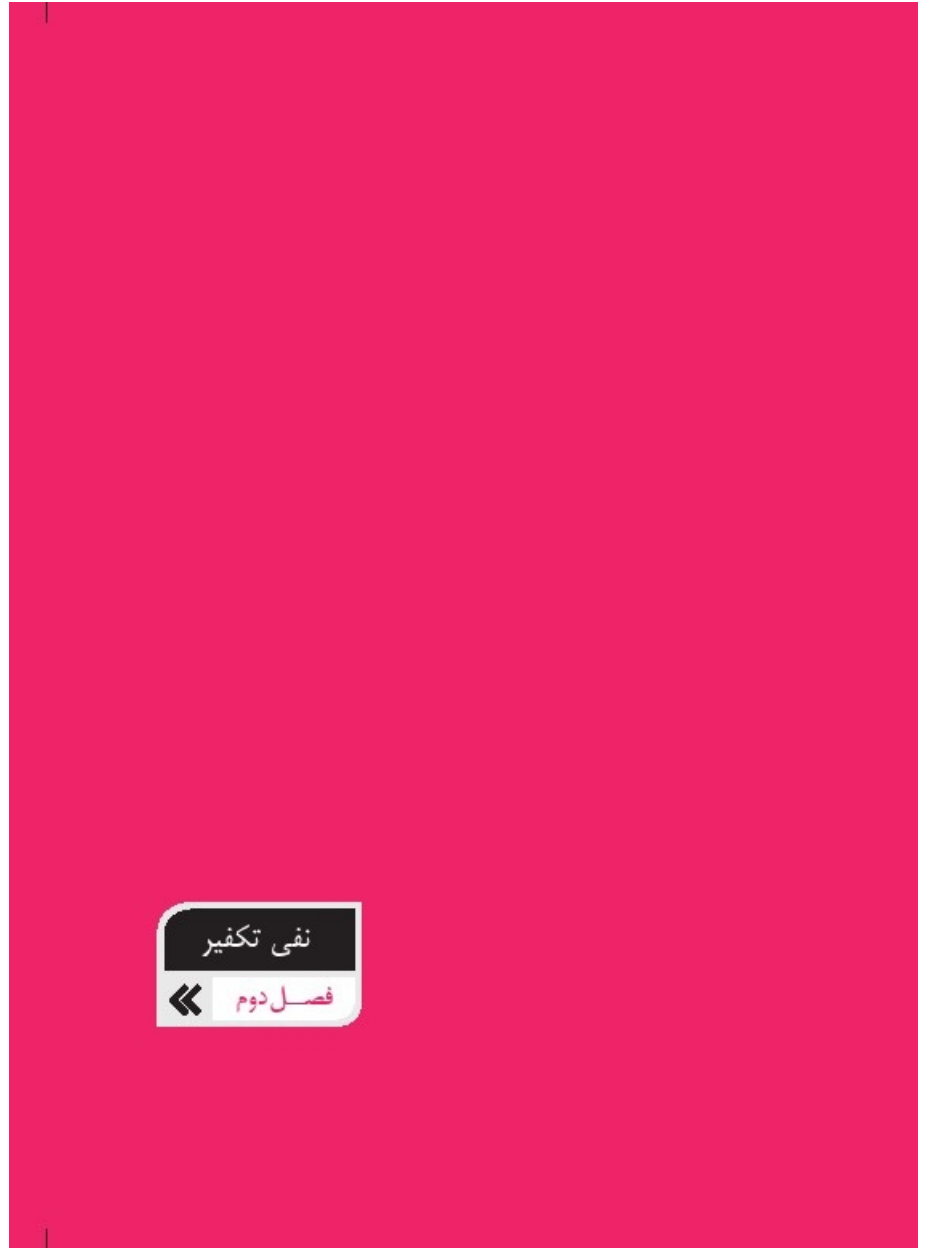
خلاصه:

تکفیر به دور از مفهوم واقعی اش، فقط دست مایه سلب حیثیت و طرد و قتل بخش مهمی از مسلمانان توسط سلفیان وهابی شده است. شکل گیری گروه خوارج و حرکت های خشونت بار آنان، با تکفیر در ارتباط بود؛ به گونه ای که می توان خوارج را نخستین گروهی برشمرد که مسلمانان را تکفیر کردند. پس از خوارج، وهابیت به سبب برخورداری از موقعیت های مالی و سیاسی، مهم ترین فرقه مروج و مجری تکفیر به شمار می رود.

ص: ۱۶

۱- . غزالی، فیصل التفرقه بین الاسلام و الزندقه، ص ۸۵ تا ۱۰۱.

۲- . نک: علی آل محسن، کشف الحقائق، ص ۲۰۱ و ۲۰۲.



نفی تکفیر
فصل دوم



۱. تکفیر و فرهنگ قرآن

در فرهنگ قرآن، نمی توان به کافر بودن کسی حکم داد که اظهار اسلام کند. به این آیه توجه کنید:

«وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِّن قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (۱)

و هر کس مؤمنی را به عمد بکشد، کیفر او جهنم است که در آن همواره خواهد بود و خدا بر او خشم گیرد و لعنتش کند و برایش عذابی بزرگ آماده سازد. ای کسانی که ایمان آورده اید، چون برای جهاد رهسپار شوید، نیک تفحص کنید و به آن کس که بر شما سلام گوید، نگویید: «مؤمن نیستی.» شما برخوردار از زندگی دنیا را می جوید؛ حال آنکه غنیمت های بسیار نزد خداست. شما

ص: ۱۹

پیش از این چنان بودید؛ ولی خدا بر شما منت نهاد. پس تفحص کنید که خدا بر اعمالتان آگاه است.

مفسران درباره شأن نزول این آیه چنین نوشته اند:

پس از نبرد خیبر، رسول خدا اسامه بن زید را همراه گروهی از مسلمانان به سوی یهودیان در یکی از روستاهای فدک اعزام کرد تا آنان را به اسلام یا قبول شرایط ذمه دعوت کنند. یکی از یهودیان به نام مرداس بن نهیک با آگاه شدن از آمدن سپاه اسلام، اموال و خانواده خود را در پناه کوهی قرار داد و درحالی که به توحید و نبوت پیامبر گواهی می داد، به استقبال مسلمانان آمد. اسامه به خیال اینکه او از سر ترس، اظهار اسلام می کند، وی را کشت و اموالش را به غنیمت گرفت. پیامبر خدا از این رفتار که به کشتن یک مسلمان انجامید، ناراحت شد.^(۱)

در پرتو آیه گفته شده، مفسران و عالمان شیعه و سنی در این نکته هم عقیده اند که هر کس اظهار اسلام کند، نمی توان به کافر بودنش حکم داد. در این باره به دیدگاه چند مفسر سنی و شیعه اشاره می کنیم:

۱. محمد بن جریر طبری، مفسر نامی اهل سنت در قرن سوم معتقد است:

به کسی که به شما رو می آورد و قصد جنگ ندارد و خود را از شما

ص: ۲۰

۱- . سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۲، ص ۲۰۰؛ فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۷۲.

و آیینتان نشان می دهد، نگویید: «مؤمن نیستی»^(۱)

۲. ابوالقاسم زمخشری، مفسر حنفی مذهب قرن ششم است. او به مکتب مذهب معتزلی گرایش داشته و این را در تفسیرش به طور آشکار بیان کرده است. او در تفسیر خود درباره این آیه می نویسد:

«سلام» به معنای انقیاد و تسلیم است و گفته اند به معنای اسلام است. همچنین این گونه بیان شده است که تسلیم به معنای تحیت به رسم مسلمانان است.^(۲)

با این نگاه، به کسی که اظهار اسلام می کند یا به رسم مسلمانان به شما تحیت می گوید و سلام می دهد، نباید بگویید: «ایمان نیاورده ای»

۳. امین الاسلام طبرسی، مفسر شیعه قرن ششم نیز چنین دیدگاهی دارد.^(۳)

۴. رشیدالدین ابوالفضل میبدی، مفسر ایرانی قرن ششم، یکی از پیروان متعصب مذهب شافعی است. او در تفسیر این آیه می نویسد:

نگویید کسی را که به تحیت مسلمانان شما را تحیت کرد، یعنی بر شما سلام کرد و شما را گفت که من مسلمانم: «لَسِيَتْ مُؤْمِنًا» که تو مؤمن نه ای و آمن کرده نه ای. آنچه ظاهر کرد از اسلام، از

ص: ۲۱

۱- طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۴۰.

۲- زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۵۵۲.

۳- نک: طبرسی، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۲۸۰.



او بپذیرید و شمشیر از وی بردارید. (۱)

۵. شیخ احمد مصطفی مراغی، دانشمند شافعی مصری (۲) نیز معتقد است:

به کسی که رفتارش برای شما به گونه ای است که گواه بر اسلامش است، نگویید: «مؤمن نیستی و به دلیل ترس از مرگ این گونه رفتار می کنی»؛ بلکه ادعای او را بپذیرید و به موجب آن با او رفتار کنید. (۳)

دیدگاه این دانشمندان شیعه و سنی درباره آیه ای که به آن اشاره شد نیز تأمل برانگیز است:

۱. ملا احمد نراقی (۴) می گوید:

مقتضای آیه شریفه آن است که هر که اظهار اسلام نماید، مادامی که دلیل شرعی ثابت الحجیه بر کفر آن نباشد، ما نمی توانیم حکم به کفر آن کنیم. (۵)

۲. شیخ محمدحسین کاشف الغطاء (۶) معتقد است:

خداوند اراده کرده است که مسلمانان میان خود، برادر و برضد دشمن، یار هم باشند. خواسته است که مسلمانان همچون ید

ص: ۲۳

۱- . میبیدی، کشف الأسرار و عده الأبرار، ج ۲، ص ۶۴۵.

۲- . وفات: ۱۳۷۱ق.

۳- . المراغی، تفسیر المراغی، ج ۵، ص ۱۲۷.

۴- . وفات: ۱۲۴۵ق.

۵- . نراقی، رسائل و مسائل، ج ۳، ص ۳۴۷.

۶- . وفات: ۱۳۷۳ق.

واحد برای قدرت نمایی برضد بیگانگان و دشمنان اسلام باشند. اما این قاعده اساسی را ابن عبدالوهاب نقض کرد و به خلاف این آیه رفتار کرد. او مسلمانان را کافر شمرد و آنان را در نقطه مقابل هم انداخت. آنان به عنوان آلت دست دشمنان، برای درهم کوبیدن پایه های دین می کوشند و به واسطه این گروه، مسلمانان کشته می شوند. (۱)

۳. حسن بن فرحان مالکی، از علمای سنی عربستان، ضمن استناد به این آیه می نویسد:

آیا با صراحت این آیه شریفه، جایی برای تکفیر مسلمانان باقی می ماند؛ آن هم بر اثر اشتباهات روشن تکفیرکننده در مسئله توحید و شرک؟ (۲)

۲. تکفیر و سنت پیامبر

مسلمان کسی است که شهادتین را بگوید و به شعایر اسلامی پایبند باشد و ضرورت دین را انکار نکند. احادیث نبوی نیز مسلمان بودن را در همین دایره تعریف می کند. محمد بن اسماعیل بخاری در صحیح خود، این حدیث را از پیامبر اکرم ثبت کرده است:

من شهد أن لا إله إلا الله و استقبل قبلتنا و صلی صلاتنا و أكل

ص: ۲۴

۱- . کاشف الغطاء، نقض فتاوی الوهابیه، ص ۳۳ و ۳۴.

۲- . نک: داعیه و لیس نبیاً، ص ۱۲۷ تا ۱۳۳.

ذبيحتنا فهو المسلم له ما للمسلم و عليه ما على المسلم. (۱)

هر کس به وحدانیت خدا شهادت دهد، قبله ما را جهت عبادت خویش قرار دهد، نماز را به جای آورد و از قربانی ما استفاده کند، او مسلمان است و حقوق مسلمان بر او جاری می شود.

از این رو، در سنت پیامبر اکرم تکفیر مسلمان روا نیست و در روایات به شدت از این رویه، نهی شده است؛ (۲) از جمله در سنن ابی داود آمده است:

ایما رجل اکفر جلا مسلماً فان کان کافراً و الا کان هو الکافر. (۳)

هر که مسلمان دیگری را تکفیر کند، اگر او واقعا کافر باشد که هیچ؛ و گرنه خود او کافر است.

و این سخن نبوی:

إذا کفر الرجل اخاه فقد بآء بها احدهما. (۴)

اگر کسی برادر خودش را کافر بنامد، یکی از آن دو، به عقوبت آن بدی دچار خواهد شد.

ص: ۲۵

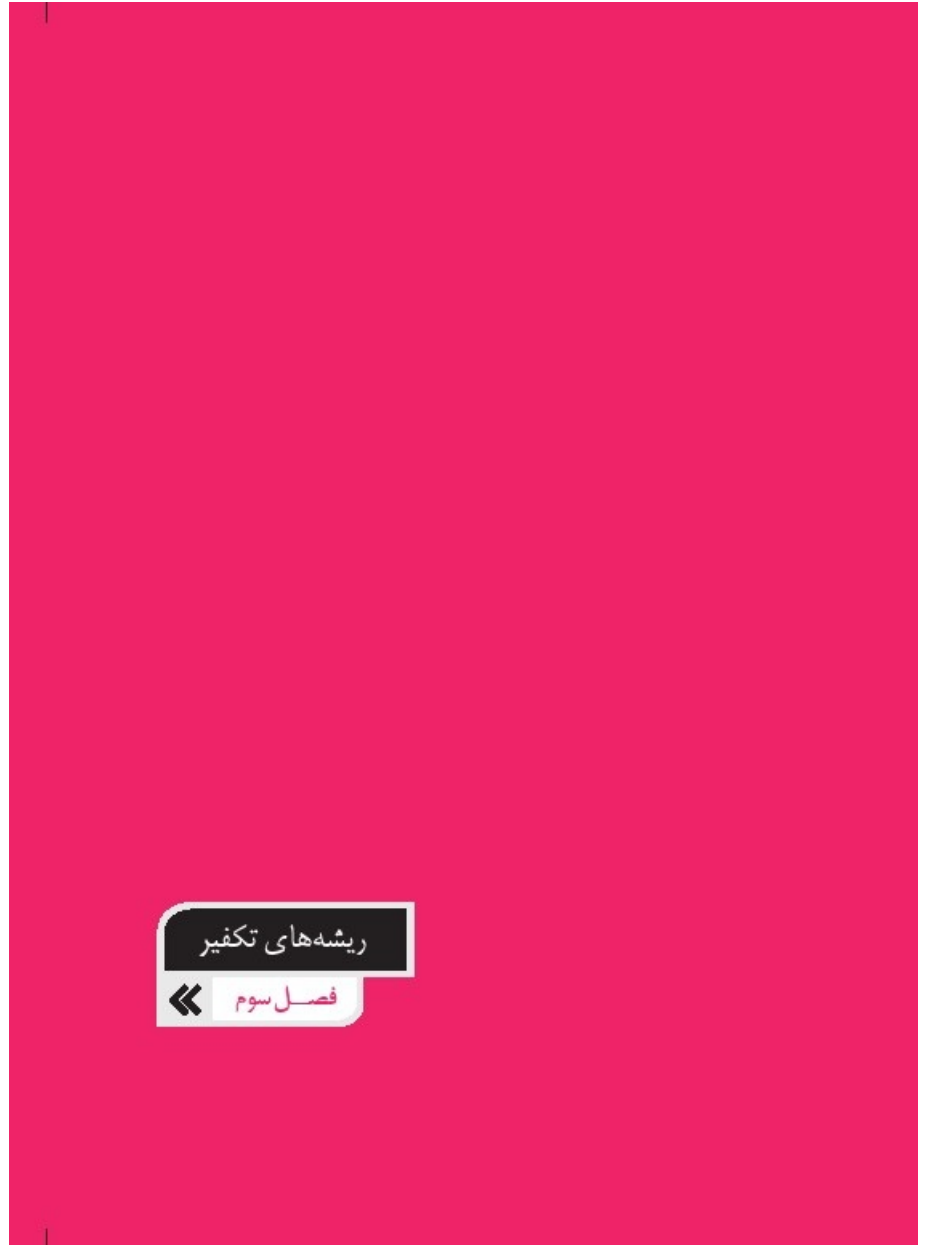
۱- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۳.

۲- نک: سنن الترمذی، ج ۵، ص ۲۲، رقم ۲۶۳۷؛ سنن ابی داود، ج ۳، ص ۴۵، رقم ۲۶۴۳.

۳- سنن ابی داود، ج ۴، ص ۲۲۱، حدیث ۴۶۸۷.

۴- صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۶.

در فرهنگ قرآن، هر کس اظهار اسلام کند، نمی توان حکم به کافر بودن او داد. مفسران و عالمان شیعه و سنی ذیل آیه ۹۳ و ۹۴ سوره نساء، بر این نکته هم عقیده اند که هر کس اظهار اسلام کند، نمی توان حکم به کافر بودن او داد. در سنت پیامبر اکرم، مسلمان کسی است که شهادتین بگوید و به شعایر اسلامی پایبند باشد و ضرورت دین را انکار نکند. از این رو تکفیر مسلمان جایز نیست.



ریشه های تکفیر

« فصل سوم



۱. پی رنگ های فکری تکفیر

وقتی از پی رنگ اندیشه تکفیر یاد می شود، شالوده پدیده تکفیر مراد است تا بتوان به ریشه های فکری و معرفتی آن دست یافت. از این رو باید بنیاد آن را در «اصحاب حدیث» جست. اصحاب حدیث در قرن های سوم تا پنجم هجری، در فضای عمومی اهل سنت مطرح شدند و با نقش محوری احمد بن حنبل (۱) و شاگردان او، فکرشان رواج یافت. اهل حدیث، با محوریت حدیث، به ترویج ظاهرگرایی (تکیه بر ظاهر آیات و روایات) و تأویل گریزی (پرهیز از تأویل برخی آیات قرآن) و عقل ستیزی پرداختند. (۲) در بستر نص گرایی اهل حدیث، ده ها باور ناهمسو با اسلام، همانند تشبیه و تجسیم خدا و جبر گرایی روید. ابن تیمیه و در پی او، محمد بن عبدالوهاب و پیروان آن دو، در چنین بستری پرورش یافتند و ثمره چنین جریانی هستند. ابن تیمیه با اتهام زنی به مسلمانان به ویژه شیعیان، آنان را کافر شمرد. او حتی مسلمانانی را کافر دانست که زیر بار تکفیر شیعه نمی رفتند. (۳) ابن کثیر، یار و شاگرد ابن تیمیه نیز معتقد است

ص: ۲۹

۱- . وفات: ۲۴۱.

۲- . نک: ابن قتیبه، المعارف، ص ۴۹۶ تا ۴۹۸.

۳- . ابن تیمیه، الصارم المسلول، ج ۳، ص ۱۱۰۸ تا ۱۱۱۲؛ أنهم شر من عامه أهل الأهواء و أحق بالقتال من الخوارج (مجموع الفتاوی، ج ۲۸، ص ۴۸۲).

شیعیانی که بر خلافت انتصابی امیرمؤمنان ازسوی پیامبر اصرار کرده و عملکرد صحابه را در این مسئله نقد می کنند، از دایره مسلمانان خارج بوده و

کافرند.^(۱)

۲. تکفیر در دوره معاصر

امروزه جریان سلفیان وهابی، تکفیر را رهبری می کند و اگر در عقاید گروه های تندروی سلفی در برخی از کشورهای عربی نیز تکفیر دنبال می شود، ریشه در پیروی آنان از ابن تیمیه و شاگرد او محمدبن عبدالوهاب دارد. همچنین تندروی برخی از نویسندگان و اتهام تکفیرشان به تشیع را می توان ناشی از انس آنان با جریان اموی دانست.^(۲) جریان تکفیری سلفی، در سده اخیر، به دلیل پشتوانه قوی مالی و سیاسی حاکمان حجاز، پدیدار شد. این جریان از انحرافی نظری که ریشه در اندیشه ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب داشت، به انحرافی عملی و فاجعه آمیز تبدیل شد.

محمدبن عبدالوهاب همچون ابن تیمیه به مسلمانان نسبت کفر و ارتداد می داد. او حتی از مراد خود پیشی گرفت و فتوا به قتل یا کشتن مسلمانان داد و آنان را بدتر از کفار دوران جاهلیت و سزاوار مرگ دانست و تصاحب اموال و ناموس آنان را مباح اعلام کرد. محمدبن عبدالوهاب با صراحت به تکفیر امت اسلام پرداخت و در رساله کشف الشبهات بارها

ص: ۳۰

۱- . و من وصل من الناس الى هذا المقام فقد خلع ربه الإسلام و كفر بإجماع الأئمة الأعلام و كان إراقه دمه أهل من إراقه المدام (ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۲۵۲).

۲- . نک: امیرمحمد قزوینی، الآلوسی و التشیع، ص ۱۱.

مسلمانان را مشرک، کافر، بت پرست، مرتد، منافق، منکر توحید، دشمن توحید، اهل باطل، نادان و شیطان خواند. او با تکیه بر این کتاب، خون و مال و ناموس مسلمانان را مباح شمرد و کشتارها و فجایع بسیاری آفرید. او در کتاب التوحید نیز، بسیاری از باورها و اعتقادات مسلمانان را در دایره شرک قرار داد. او دایره پیروان توحید و اهل ایمان را به قدری تنگ گرفت که همه مسلمانان مشرک خوانده شده و خون و اموالشان مباح و ایمان تنها در پیروان او احتکار شد. (۱)

شیخ احمد زینی دحلان، متفکر سنی شافعی (۲) و (۳) می گوید:

وهابی ها هیچ کس را موحد نمی دانند؛ مگر کسی که از تمام گفته های آن ها پیروی کند. (۴)

دحلان از عالم مشهور دیگری به نام زهاوی نقل می کند:

اگر کسی سؤال کند مذهب وهابیان کدام است و نتیجه این مذهب چیست، در جواب هر دو سؤال می گویم: «حکم به کفر همه مسلمانان جهان». این پاسخ کوتاه برای این گونه سؤال ها

ص: ۳۱

۱- . نک: زینی دحلان، الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیة، ص ۳۹.

۲- . احمد زینی دحلان مکی شافعی، شیخ الاسلام و مفتی شافعی مکه مکرمه است که دو کتاب در نقد وهابیت نوشته است. دحلان در کتاب فتنه الوهابیة و دعوی المناوئین به تاریخ و اقدامات وهابیت می پردازد. کتاب الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیة نیز به رد عقاید وهابیت در بحث توسل و زیارت قبور اختصاص دارد.

۳- . وفات: ۱۳۰۴ق.

۴- . دحلان، دعوی المناوئین، ص ۱۶۶.



شیخ حسن بن فرحان مالکی، منتقد جدی وهابیت، (۲) تصریح می کند:

متأسفانه اصل تکفیر مسلمانان را در کلمات محمد بن عبدالوهاب یافتیم. مسلماً شیخ و تابعان او در این عقیده، راه صحیح را نپیموده اند.

ماهیت خشن و تکفیری وهابیت، موجب شد قدرت و خشونت در دل آن نهادینه شود. رویکرد جاری وهابیت، تکفیر پیروان مذهب شیعه است؛ اما خشونت و ددمنشی حرکت آنان، کیان جهان اسلام را به مخاطره انداخته و امنیت را از آنان سلب کرده است. فجایع خونین صورت گرفته در عراق، سوریه، لبنان، پاکستان و حتی مصر (۳) نمونه ای از ثمره های حرکت افراطی تکفیریان معاصر است. این فجایع، اندیشمندان مسلمان را در این نتیجه هم عقیده کرده است که نظریه پردازان جاهلی وهابیت

ص: ۳۳

-
- ۱- . دحلان، دعوی المناوئین، ص ۱۶۷؛ در نقد این تفکر انحرافی، نک: وهابیت بر سر دوراهی، ص ۱۶۴.
 - ۲- . فرحان از وهابیان برجسته تجدیدنظرطلب است که کتابی در نقد رویکرد محمد بن عبدالوهاب در تکفیر نوشته است. او در کتاب داعیه و لیس نبیا، محمد بن عبدالوهاب را فقط مبلغی دینی دانسته است که هرگز پیامبری معصوم نبوده است. انتشار این کتاب، خشم جریان خشن وهابیت را برانگیخت؛ به حدی که ابن فرحان را کافر و مرتد نامیدند.
 - ۳- . در حادثه ای دردآور که در تیر ۱۳۹۲ در مصر اتفاق افتاد، گروهی از تندروان سلفی شیخ حسن شحاته، مدرس الازهر را در استان الجیزه مصر به طرز فجیعی به شهادت رساندند و به پیکرش تعرض و توهین کردند. علامه حسن شحاته در سال ۱۴۱۶ به مذهب شیعه گرویده بود و از رهبران شیعیان مصر به شمار می رفت. این حادثه تلخ در جشن میلاد امام زمان S روی داد. در این حادثه، تعدادی از شیعیان مصر نیز کشته و زخمی شدند.

در اصل، خوارج قرن بیستم هستند.

وهابیت امروز را می توان آینه خوارج دیروز دانست. این دو طیف، بی بصیرتان و منحرفانی هستند که شیطان رفتارشان را آراسته است و تنها خود را مسلمان واقعی انگاشته و دیگران را از دم تیغ تکفیر گذرانده اند و مصداق این آیه اند:

«وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ» (۱)

شیطان اعمالشان را در نظرشان آراسته و از راه خدا منحرفشان کرده است؛ چنان که روی هدایت نخواهند دید.

۳. علل تکفیر

اشاره

محور فتوای نمایندگان جریان تکفیر، فرافکنی و اتهام زنی به مسلمانان و به ویژه شیعیان است. آنان با نگاه وارونه به مفاهیمی چون توسل، شفاعت، زیارت و ساخت بنا بر مزار پیشوایان الهی، این رویکرد را از جلوه های شرک می شمارند؛ درحالی که این نکته ها مقبول اکثر صحابه و تابعین بوده است و به تبع آن، بسیاری از مسلمانان غیرشیعه بدان پایبندند. اما در این فضا، تنها شیعیان هدف تیر تکفیر آنان قرار گرفته اند و ریختن خونشان ثواب شمرده می شود!

محمدبن عبدالوهاب باور به توسل را شرک می شمارد و مسلمان

ص: ۳۴

واقعی را کسی می داند که از افراد توسل کننده اعلام بیزاری کند و آنان را کافر بداند. (۱) همچنین او به دروغ مدعی است که ریختن خون مسلمانانی که توسل می جویند، در همه مذاهب مباح شمرده شده است:

همه مذاهب اجماع دارند بر اینکه هرکس بین خود و خداوند واسطه ای قرار دهد و آنان را بخواند، کافر مرتد بوده و مال و خونس حلال است. (۲)

مفتیان معاصر وهابی نیز توسل به انبیا و صالحان را از جنس رفتار مشرکان می شمارند. (۳) حتی محمدبن صالح العثیمین، چنین فردی را مشرک و کافر می شمارد. (۴) بن باز، وهابی معاصر نیز مدعی است هرکس در هر بقعه ای از بقعه های زمین بگوید: «یا رسول الله یا نبی الله یا محمد، به فریاد من برس، مرا دریاب، مرا یاری کن، مرا شفا بده، امتت را یاری کن، بیماران را شفا بده، گمراهان را هدایت فرما» یا امثال این ها، برای خدا شریک در عبادت قرار داده و درحقیقت پیامبر را عبادت کرده است. (۵)

سلفیان با تفکیک نکردن «عبادت و پرستش» از «تکریم و ستایش»،

ص: ۳۵

-
- ۱- . مجموعه مولفات شیخ محمد بن عبد الوهاب، ج ۶، ص ۱۴۶.
 - ۲- . همان، ص ۱۴۷.
 - ۳- . فتاوی علماء البلد الحرام، ص ۸۳، مسئله ۲۱.
 - ۴- . مجموعه فتاوا، ج ۲، ص ۱۶۷.
 - ۵- . نک: مجموعه فتاوا و مقالات متنوعه، ج ۲، ص ۵۴۹؛ نک: قفاری، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه، ج ۲، ص ۵۱۷ و ج ۳، ص ۱۴۳۴.

تفسیر غلطی از «عبادت» ارائه داده و هر خضوعی را عبادت و تکریم انبیا و اولیای الهی را پرستش تلقی کرده اند. آنان با این فرض باطل، همگان را به شرک متهم می کنند.

عبدالله بن جبرین، مفتی معاصر وهابی، از مروجان تکفیر شیعه است. او همراه با چندی دیگر از مفتیان وهابی با صدور فتوایی، خواستار انهدام مرقد‌های امامان شیعه شد. همچنین در حماسه جنگ ۳۳ روزه مقاومت لبنان، فتوایی برضد حزب الله صادر کرد و حتی تا حد تحریم همه گونه پشتیبانی از حزب الله پیش رفت (۱).

و نوشت:

یاری کردن این حزب رافضی جایز نیست. جایز نیست تحت فرمان آنان رفت و جایز نیست برای پیروز و قدرتمند شدن آنان دعا کرد. نصیحت ما به اهل سنت این است که از آنان بیزاری جویند و کسانی را که به این حزب می پیوندند، رها کنند و دشمنی آنان با اسلام و مسلمانان و ضررهای کهن و جدید آنان را برای اهل سنت روشن کنند.

عبدالله بن جبرین ضمن مشرک دانستن شیعیان به دلیل توسل و ابراز ارادت به اهل بیت، چنین فتوایی داده بود:

آن‌ها توحیدشان را باطل و ایمانشان را نقض کرده اند و به اسلامیت خود اخلال رسانده اند. پس باید با آنان جنگید تا به دین

ص: ۳۶

۱- . نک: Le Monde diplomatique، اسلام‌یسم سنی و حزب الله، نوشته Bernard ROUGIER.

و به سمت خدا باز گردند. (۱)

با تأمل در آیات قرآن درمی یابیم که توسل به سبب ها و به ویژه استمداد و حاجت خواهی از انبیا و اولیای الهی امری پذیرفته شده است. در متون تفسیری، آیه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیْلَةَ» (۲) به توسل باز گردانده شده است. (۳) همچنین آیه «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (۴) مهم ترین نمونه از جواز طلب آمرزش از پیامبر اکرم است که این درخواست، توسل به شمار می رود. (۵)

پنجره:

در منابع شیعه و سنی، احادیث مستند متعددی نیز درباره توسل وجود دارد و بیشتر این روایات بر جواز توسل به

ص: ۳۷

۱- . نک: www.ibn-jebreen.com

۲- . مائده، ۳۵: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و وسیله ای به درگاهش به دست آورید.»

۳- . در نگاه مفسران، این آیه، تحصیل وسیله برای قرب الهی همراه با جهاد در راه خدا را موجب رستگاری مؤمنان دانسته است و خداوند از مؤمنان می خواهد برای پذیرش درخواست ها، پی جوی «وسیله» به سوی خداوند باشند (بیضاوی، انوار التنزیل، ج ۲، ص ۱۲۵؛ شوکانی، فتح القدير، ج ۲، ص ۴۵).

۴- . نساء، ۶۴: «و اگر ایشان بعد از آنکه به خود ستم کردند، نزد تو آمدند و آمرزش خدا را خواستند و رسول هم برایشان طلب مغفرت کرد، خواهند دید که خدا توبه پذیر رحیم است.»

۵- . نک: مریم، ۴۷؛ توبه، ۱۱۴؛ یوسف، ۹۷ و ۹۸؛ آل عمران، ۱۵۹؛ ممتحنه، ۱۲؛ توبه، ۱۹ و ۸۰.

پیامبر گواهی می دهد. (۱) توسل به پیامبر و آل او (۲) در زمان حیات و پس از رحلت ایشان، سیره ای پذیرفته شده در میان مسلمانان صدر نخست و سده های پسین تلقی شده است. با درنگ در متون تاریخی، نمونه های زیادی از توسل یافت می شود؛ (۳) به گونه ای که زینی دحلان مدعی است کسی در برابر این اقبال به توسل، ایستادگی و نقدی نداشته است. (۴)

ص: ۳۸

- ۱- در منابع حدیثی اهل سنت، عثمان بن حنیف از مرد نایبانی حکایت می کند که نزد پیامبر آمد و از ایشان برای بازیابی بینایی اش مدد خواست و به برکت دعایی که پیامبر به او آموخت، شفا یافت. در این دعا او به دستور پیامبر به ایشان توسل جست و با این سخن: «یا محمد انی اتوجه بک الی ربی» حضرت را مخاطب قرار داد. (احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۱۳۸؛ ترمذی، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۶۹؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۴۱). در این دعا، به شخص پیامبر توسل شده است. حاکم نیشابوری این حدیث را بنا بر شرط شیخین، بخاری و مسلم، درست می شمارد (حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۳۱۳). علی ناصف در کتاب حدیثی خود که حاوی صحاح پنج گانه جز ابن ماجه است، این حدیث را در بابی با عنوان «يجوز التوسل الی الله بأحبائه» آورده است (علی ناصف، التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، ج ۱، ص ۳۱۹).
- ۲- آلوسی مدعی است که مانعی در توسل به پیشگاه خداوند به مقام پیامبر وجود ندارد؛ چه در حال حیات پیامبر و چه پس از رحلت ایشان. وی معتقد است توسل جستن به مقام غیر پیامبر در پیشگاه خدا نیز مانعی ندارد؛ به شرط اینکه او حقیقتاً در پیشگاه خدا مقامی داشته باشد (آلوسی، روح المعانی، ج ۴، ص ۱۱۴ و ۱۱۵).
- ۳- جنگجویان مسلمان در دوره خلافت ابوبکر در جنگ با اهل رده، شعار «یا محمداه» سر دادند (ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۶، ص ۳۲۹). همچنین مردم مدینه از عهده داری زیاد بن ابیه از سوی معاویه بر امارت شهرشان، به قبر پیامبر پناه بردند و به ایشان متوسل شدند و پس از سه روز، زیاد هلاک شد (مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۲). رویکرد غالب در توسل ها، فریادرسی و استغاثه است که طلب آمرزش گناهان نیز در آن قرار دارد. زرقانی سبب و انگیزه گرایش مردم به زیارت و توسل به اولیا را از میان رفتن گناهان زواری این مکان ها ذکر کرده است (شرح علی المواهب اللدنیه، ج ۸، ص ۳۱۷).
- ۴- دحلان، الدرر السنیه فی الرد علی الوهاییه، ص ۳۱.

شکل گیری و استقرار وهابی ها، بر قتل و جنایت برضد مسلمانان استوار بود و آنان در پرتو حمایت دولت استعماری انگلستان و با نظارت و مشاورهٔ مأموران ویژهٔ بریتانیایی و با تکیه بر تکفیر، کشتارهای متعددی را سامان دادند؛ به گونه ای که در تاریخ وهابیان هیچ جنگی با دشمنان و کفار ثبت نشده است. به گزارش ابن بشر (۱) از دورهٔ اول و دوم دولت سعودی، وهابیان هر جا پا می گذاشتند، مردان را می کشتند و همهٔ دارایی آنان را به غارت می بردند و زنان را به عنوان کنیز تصاحب می کردند. (۲)

ابن غنام (۳) از شاگردان محمد بن عبدالوهاب نیز به عنوان نخستین وقایع نگار وهابی، دربارهٔ حمله به ریاض مدعی است که مردم از ترس سپاه وهابی شهر را ترک کردند و در بیابان ها از گرسنگی و تشنگی مردند. سعود نیز با لشکرش آنان را تعقیب کرد و هر کسی را که قدرت شمشیر به دست گرفتن داشت، در میانهٔ راه کشت. (۴)

ابن غنام به یکی از حمله های سعود به قطیف به بهانهٔ مبارزه با بت ها اشاره می کند و مدعی است سپاه سعود پس از محاصرهٔ شهر سبها، وارد آن شدند و هر کس را در آن یافتند، کشتند. کشته ها ۱۵۰۰ نفر می شدند همچنین آنچه از اموال در این شهر بود که توصیف کردنی و شمارش پذیر نیست، غارت

ص: ۳۹

۱- . وفات: ۱۲۸۸ق.

۲- . ابن بشر، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ریاض: الرياض الحدیثه، ص ۸۷.

۳- . وفات: ۱۲۲۸ق.

۴- . حسین بن غنام، تاریخ نجد، دارالشروق، ۱۹۹۴، ص ۱۳۸.



حافظ وهبه (۲) مشاور ملک عبدالعزيز، از قول این حاکم سفاک سعودی می نویسد:

نزدیکان دولت سعودی، در کتاب جزیره العرب می نویسند که عبدالعزيز می گفت: «هنگامی که جد ما، سعود، مشغول جنگ با قبایل منطقه حجاز بود، گروهی از بزرگان قبیله مطیر را به اسارت گرفت. برخی از ریش سفیدان این طایفه برای شفاعت نزد سعود آمدند و از وی خواستند از این گروه درگذرد؛ اما سعود دستور داد که سر از بدن اسرا جدا کنند. سپس سرها را در طبق هایی از غذا قرار دادند و این طبق ها را در مقابل بزرگان طایفه مطیر قرار دادند. عبدالعزيز به آنان دستور داد که از این غذا که سرهای اقوامشان بر آن نهاده شده بود، بخورند و چون این کار را نکردند، تمامی آن افراد را نیز کشتند.» (۳)

وهابیان با حمله به طائف، به مدت سه روز این شهر را برای خود حلال کردند. در این جنایت، بسیاری از مردم طائف فرار کردند و افراد باقی مانده نیز به قتل رسیدند. (۴) وهابیان در منطقه قصیم، بیش از پانصد نفر را سر بریدند و قاضی اهل سنت شیخ ابراهیم بن عمر را که از

ص: ۴۱

۱- نک: همان، ص ۱۷۹ تا ۱۸۰.

۲- وفات: ۱۳۸۷ق.

۳- Longrigg S.H. for Centuries of Modern Iraq, Oxford, ۱۹۲۵. p. ۱۴.

۴- سعود بن هذلول، تاریخ ملوک آل سعود، ص ۱۵۱ تا ۱۵۳.

درخواست عبدالعزیز برای صدور فتوا به کفر دشمنان او سر باز زده بود، دست بسته درون گودالی انداختند و او را سوزاندند.^(۱)

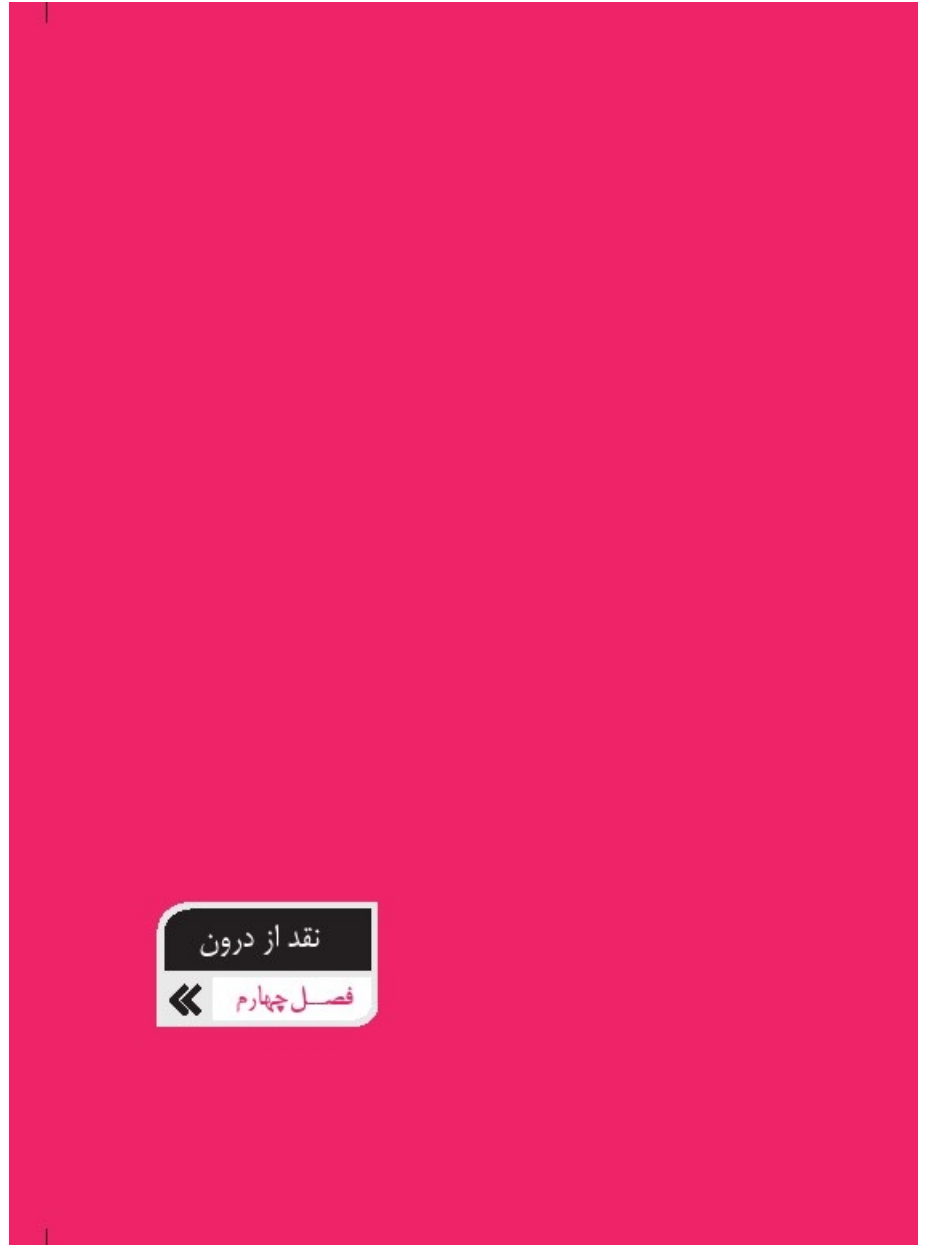
جنايات تکفیری ها برضد شیعیان نیز گویا و انکارناپذیر است. حمله و هابیان تکفیری به کربلا در سال ۱۲۲۶ ق هرگز فراموش نمی شود. اکنون نیز پیروان مذهب شیعه، آماج بیشترین حملات و هابیان قرار دارند.

خلاصه:

امروزه جریان سلفیان وهابی، تکفیر را رهبری می کنند. عقاید آنان ریشه در افکار و اقدامات ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب دارد. ابن تیمیه با اتهام زنی به مسلمانان و به ویژه شیعیان، آنان را کافر می شمرد. محمدبن عبدالوهاب حتی از مراد خود، ابن تیمیه پیشی گرفت و به کشتن مسلمانان فتوا داد. او آنان را بدتر از کفار دوران جاهلیت و سزاوار مرگ دانست و تصاحب اموال و ناموسشان را مباح اعلام کرد. ماهیت خشن و تکفیری وهابیت، موجب شد قدرت و خشونت در دل آن ها نهادینه شود. رویکرد جاری وهابیت، تکفیر پیروان مذهب شیعه است؛ اما خشونت و ددمنشی حرکت آنان، امنیت را از همه مسلمانان سلب کرده است.

ص: ۴۲

۱- . ناصر السعید، تاریخ آل سعود، ص ۱۳۹.



نقد از درون
« فصل چهارم



معروف است که وقتی مرگ ابوالحسن اشعری، پیشوای مکتب اشاعره (۱) فرا رسید، یارانش را جمع کرد و گفت:

شاهد باشید من هیچ یک از اهل قبله را به سبب گناهی که از او سر زد، تکفیر نکردم؛ زیرا آنان را دیدم که همگان به سوی معبود واحدی متمایل اند و اسلام شامل آنان می شود. (۲)

سعدالدین تفتازانی شافعی (۳) مدعی بود:

کسی را که اهل قبله، اما مخالف حق است، نمی توان کافر شمرد؛ تازمانی که او ضروریات دین را انکار نکرده باشد. ضروریات دین اموری چون حدوث عالم و محشور شدن اجساد در قیامت است. همانا پیامبر و پس از او، هیچ گاه عقاید مردم را تفتیش نمی کردند. (۴)

ص: ۴۵

۱- . وفات: ۳۲۴.

۲- . شعرانی، الیواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۱۲۶.

۳- . وفات: ۷۹۲.

۴- . تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۲۷.

نگاه افراطی جریان تکفیری را باید با نوع نگاه بسیاری از متفکران سنی مقایسه کرد. از جمله اینکه آنان در برابر این حرکت انحرافی واکنش نشان دادند و اندیشمندان سنی با تکفیری ها مخالفت های فراوان کردند. پس از طرح نظرهای تکفیری محمدبن عبدالوهاب، جدی ترین نقدها را عالمان اهل سنت بیان کردند.

ذینی دحلان مدعی است محمدبن سلیمان کردی، استاد وی، بر محمدبن عبدالوهاب خرده گرفته و او را از تکفیر مسلمانان باز داشته است. (۱) یکی از نقدهای صریح به او را برادرش سلیمان بن عبدالوهاب وارد کرده است. او در بخشی از نقد مکتوب خود به برادرش محمد، چنین می نویسد:

شما اکنون کسانی را کافر می شمارید که به یگانگی خداوند و رسالت محمد شهادت می دهند؛ نماز به پا می دارند؛ زکات می دهند؛ روزه رمضان می گیرند؛ حج به پا می دارند؛ به خداوند و فرشتگانش و کتاب هایش و پیامبرانش ایمان دارند و به تمامی شعائر اسلامی پایبندند. شما آنان را کافر می دانید؛ درحالی که می پرسیم در این مسئله از چه کسی پیروی می کنید؟ این رویکرد

ص: ۴۶

را از چه کسی برگرفته اید؟ اگر ادعا کنید آنان را کافر می دانیم، چون به خدا شرک ورزیده اند و خدای فرموده است: «ان الله لا یغفر ان یشرک به» (۱) (=هرآینه خدا نمی آمرزد گناه کسانی را که به او شرک آورند)، در پاسخ می گوئیم: آیات الهی حق است؛ اما اهل علم در تفسیر «شرک آورده به خدا» گفته اند: کسی است که ادعا کند برای خدای شریکی است؛ مانند این سخن مشرکان: «هولاء شرکاوناه» (۲) (=اینان شریک عبادت مایند) و این آیات: «و ما نری معکم شفعاء کم الذین زعمتم أنهم فیکم شرکاء» (۳) (=هیچ یک از شفیعانتان را که می پنداشتید با شما شریک اند، همراهتان نمی بینیم.) «إذا قیل لهم لا إله إلا الله یتکبرون» (۴) (=چون به آنان گفته می شد که جز خدای یکتا خدایی نیست، تکبر می کردند.) «أجعل الآلهة إلهاً واحداً» (۵) (=آیا همه خدایان را یک خدا گردانیده است؟) (۶)

سلیمان بن عبدالوهاب در فصلی دیگر اذعان می کند که مذهب سلف، تکفیرنکردن فرقه های اسلامی است. او سپس به تفصیل، دیدگاه علمای

ص: ۴۷

۱- . نساء، ۴۸.

۲- . نحل، ۸۶.

۳- . انعام، ۹۴.

۴- . صافات، ۳۹.

۵- . ص، ۵.

۶- . سلیمان بن عبدالوهاب، فصل الخطاب، ص ۲۸ تا ۳۰.

بزرگ سنی را مطرح کرده (۱) و در پایان، از عمق فاجعه جریان تکفیر رمزگشایی می کند و خطاب به بنیان گذار جریان وهابی می نویسد:

شما با تکیه بر گمان خود دیگران را کافر می شمارید؛ حتی آنان را که در گرایش به اسلام صراحت دارند نیز کافر می دانید. در نزد شما کسانی که با خداترسی به حکم تکفیرتان، بهایی نمی دهند نیز کافرند. (۲)

پاسخ رهبر جریان وهابی به برادرش سلیمان، چیری جز کافردانستن او نبود. محمدبن عبدالوهاب، برادرش را ملحد و دشمن دین خواند. (۳)

حرکت فتنه گرای تکفیری را بسیاری از جریان های اسلامی نقد کرده اند؛ زیرا به اعتقاد همگان، اسلام، کافردانستن مسلمانانی را که ایمان خود را اعلام کرده اند و آداب دینی را به جا می آورند، جایز نمی شمارد. نقطه کانونی ترویج جریان تکفیر، تزلزل جوامع مسلمان بود؛ آن گونه که اخوان المسلمین مصر در گذشته، تکفیر و طرد مسلمانان را موجب فتنه می شمرد که چه بسا به شکاف در امت اسلامی بینجامد و فقط به دشمنان اسلام سود برساند. (۴)

ص: ۴۸

۱- همان، ص ۵۳ تا ۶۷.

۲- همان، ص ۷۴.

۳- محمدبن عبدالوهاب، مفید المستفید فی کفر تارک التوحید، ص ۲۸۶ و ۲۹۴.

۴- جان ل. اسپوزیتو، دایره المعارف جهان نوین اسلام، ترجمه حسن طارمی و دیگران، ج ۲، ص ۲۴۱.

نقطه‌ کانونی ترویج جریان تکفیر، تزلزل جوامع مسلمان و رواج فتنه بود. از این رو بسیاری از متفکران جهان اسلام در برابر حرکت انحرافی تکفیری‌ها واکنش نشان دادند و اندیشمندان سنی با سلفیان تکفیری مخالفت فراوان کردند. به اعتقاد همگان، اسلام، کافردانستن مسلمانانی را که ایمان خود را اعلام کرده اند و آداب دینی را به جا می آورند، جایز نمی شمارد.



پدیده تکفیر از سده نخست اسلام، با توجه به تحولات تاریخی، فراز و فرودهایی داشته است. آمیختگی آن با جریان وهابیت و بروز و ظهور آن در بخش های وسیعی از جهان امروز، روشنگری مخصوص به خود را می طلبد؛ به ویژه آنکه این جریان افراطی، پشتوانه سیاسی و مالی فراوان دولت های خاص عربی و سرویس های اطلاعاتی استکباری را دارد و خود را تابلوی اسلام در دوره معاصر تلقی می کند. متأسفانه پراکندگی و نومیدی و سکوت حاکم بر جریان های فکری موجود در جهان اسلام و برخورداری تکفیری ها از امکانات نفتی و گازی عربستان، زمینه یکه تازی وهابیان و ادعاهای واهی آنان در نمایندگی اسلام را فراهم آورده است؛ درحالی که وهابیت تابلویی وارونه از اسلام است.

۱. جعفر سبحانی، آیین وهابیت. دفتر انتشارات اسلامی

۲. نجم الدین طبری، شناخت وهابیت. دلیل ما

۳. سید مهدی علی زاده موسوی، سلفیگری و وهابیت. دفتر تبلیغات اسلامی

۴. محمد باقر پورامینی، تافتة جدابافته. مرکز پژوهش های جوان

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

